

## جایگاه عقل و منطق در ازدواج / لزوم تربیت دختران و پسران برای زندگی واقعی



دختران و پسران جوان نباید در انتخاب همسر تنها بر محور ذوق و احساس تکیه کنند، بلکه بایست به معیارهای منطقی و عقلي اعتماد کنند و اگر نتوانستند شرایط کفویت و همانندی را در حد عالی به دست آورند، لاقل سعی کنند به طور نسبی عوامل همانندی را مد نظر قرار دهند.

دختران و پسران جوان نباید در انتخاب همسر تنها بر محور ذوق و احساس تکیه کنند، بلکه بایست به معیارهای منطقی و عقلي اعتماد کنند و اگر نتوانستند شرایط کفویت و همانندی را در حد عالی به دست آورند، لاقل سعی کنند به طور نسبی عوامل همانندی را مد نظر قرار دهند. به گزارش خبرگزاری مهر، اندیشیدن دشوارترین کار زندگی است و شاید به همین علت است که عده قلیلی چنانکه شایسته است می اندیشند. اما درست و صحیح اندیشیدن یکی از موفقیت های بزرگ به شمار می آید و به همین جهت پیوسته تا کید می شود که وجه امتیاز انسان از حیوان، قدرت اندیشه اوست.

در حقیقت بسیاری از حیوانات به استثنای نیروی اندیشه امتیازات زیادی بر انسان دارند، به طوری که در مقابل حوادث طبیعی دارای قدرت مقاومت بیشتری هستند، خیلی سهل تر از ما در زمین و دریا و هوا حرکت می کنند، طول عمرشان به مراتب بیش از انسان است و از لحاظ نیروی جسمانی بر انسان برتری دارند. بنابراین صحیح است که بگوئیم امتیاز انسان بر حیوانات، همان قدرت اندیشیدن است و درست فکر کردن مانند هر هنری نیاز به تمرین و عمل مستمر دارد.

طرفداران نظریه آزمایش و خطا عقیده دارند که یادگیری انسان مانند حیوان بر اساس آزمایش و خطا انجام می گیرد، اما دانشمندان روانشناس امروزی این نظریه را ابطال کرده و عقیده دارند که یادگیری در انسان بر اساس روش بینش و بصیرت که یک نوع بلوغ فکری است انجام می گیرد.

بررسی ها و مطالعات در مسائل خانوادگی همه حاکی از این است که اکثر ازدواج ها از پشتوانه فکر و تعقل برکنار است و دختران و پسران بر اساس نیازهای طبیعی و تصورات خام و ناپخته و رویایی به ازدواج اقدام می کنند و بدیهی است پس از گذشت زمان کوتاهی از خواب و رویا بیدار می شوند و می فهمند که بر اساس عقل و بینش به ازدواج نپرداخته اند.

دختر و پسر وقتی با دید رویایی به زندگی خانوادگی نگاه می کنند، پس از مدت زمان کوتاه و از بین رفتن سوزها و عشق ها تازه در می یابند که در زندگی خارجی و عینی دشواری ها و مشکلات فراوانی وجود داشته باشد و گناه دختر و پسر این بوده که با دید عقلي زندگی خانوادگی را مورد مطالعه و موشکافی قرار نداده و امر ازدواج را از دیدگاه رویایی نگریسته اند.

ارزشمندی افراد وابسته به میزان عقل و خرد آنان است، اصالت و ارزشمندی کارهایی که انجام می دهند نیز وابسته به مقدار فکر و اندیشه ای است که در ارزیابی به کار می گیرند. متأسفانه بسیاری از ازدواج هایی که انجام می گیرد از پشتوانه فکری و عقلي برخوردار نیستند، لذا پس از گذشت مدتی کوتاه پیوند های ازدواج به جدایی و طلاق می انجامد. عده زیادی از دختران و پسران وقتی دچار مشکلات خانوادگی می شوند، آرزو می کنند که ای کاش ازدواج نکرده بودند.

### اصولی برای موفقیت ازدواج ها

-پدران و مادران و معلمان باید توجه داشته باشند که همه دختران و پسران قبل از ازدواج در رویا و تخیل به سر می برند و این رسالت سنگین در درجه اول متوجه پدران و مادران و مربیان اجتماعی است که آرام آرام جوانان را از دنیای خیال و وهم به در می آورند و به آنان تفهیم کنند که زندگی واقعی علاوه بر خوشی ها و لذت ها، دشواری ها و سختی هایی را نیز به همراه دارد تا آنان در پرتو احساس و خیال تنها ازدواج ننمایند، بلکه علاوه بر احساس از فکر و عقل کمک و یاری بگیرند و همه ابعاد ازدواج را مورد مطالعه و امعان نظر قرار بدهند.

-دختران و پسران جوان در انتخاب همسر تنها بر محور ذوق و احساس تکیه ننمایند، بلکه به معیارهای منطقی و عقلي اعتماد کنند و اگر نتوانستند شرایط کفویت و همانندی را در حد عالی به دست آورند، لاقل سعی کنند به طور نسبی عوامل همانندی را مد نظر قرار دهند؛ به عنوان مثال دختر یا پسری که به عقاید دینی و مذهبی پایبند است سعی کند با خانواده متدین وصلت نماید.

وقتی دختران و پسران معیارهای همانندی را در نظر بگیرند، بخش مهمی از اختلافات و درگیری ها خود به خود حل و فصل می گردد و تنها بخش کوچکی از اختلاف سلیقه ها باقی می ماند. مثل اینکه زن و شوهر یکی کم حرف و دیگری پر حرف، یکی اجتماعی و دیگری منزوی است که اگر زن و شوهر حدود تکریم و احترام یکدیگر را رعایت کنند به مرور زمان روحیات و کمالات ارزنده هر یک در دیگری

اثر گذاشته، به او منتقل می شود و در غیر این صورت از شدت و غلظت آن کاسته خواهد گردید.

از این دو قسمت اگر بگذریم به بخش بسیار ناچیزی از روحيات بر خورد می کنیم که آنها به مرور زمان جزو ذات لاینفک زن و مرد شده است. بدیهی است شرط عقل و خرد آن است که به خاطر اهمیت استحکام خانواده باید با روحیه سازش و سازگاری به زندگی ادامه داد و متعرض روحيات ویژه یکدیگر نشد و از هر گونه برخوردی که به درگیری و مناقشه می انجامد جدا خودداری کرد.

چنین به نظر می رسد زنان و مردان نباید تلاش کنند همسران خود را همانند خود متحول سازند، زیرا این خود يك واقعیت طبیعی است. آیا منطقی است دو نفری که در دو محیط و ژن های متفاوت و با انواع تغذیه و تربیت و پرورده شده اند، یکسان و همگون یکدیگر باشند؟ مهم این است که زن و شوهر همدیگر را درک کنند و با الهام از روحیه گذشت و سازگاری با یکدیگر زندگی کنند.